

Examining the Factors that Reduce Criminal Liability from the Perspective of the Requirements of Structural Order, Comprehensiveness and Usefulness

Abbas Mansourabadi 

Associate Professor, Faculty of Law,
Department of Criminal Law and
Criminology, Farabi college, University of
Tehran, Qom, iran

Mahdi Sheideian* 

Associate Professor, Faculty of Law,
Department of Criminal Law and
Criminology, Farabi college, University of
Tehran, Qom, iran

Ferdows Aghagolzadeh 

Full professor in linguistics, faculty of
Humanities, Department of Linguistics,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Zahra Rajaei 

Ph.D. Student in Criminal Law & Criminology,
Farabi college, University of Tehran, Qom, Iran

Abstract

Whether a country's procedural system is inquisitorial or accusatorial is not something explicitly stipulated in its laws. It can only be determined by examining the country's cultural background, the

* Corresponding Author: m_sheidaieian@ut.ac.ir

How to Cite: Mansourabadi, A. , Sheideian, M. , Aghagolzadeh, F. and Rajaei, Z. (2025). Realization Challenges of an Accusatorial Trial Stage in Iranian Law. *Journal Of Criminal Law Research*, 13 (51), 209 -214. Doi: [10.22054/JCLR.2025.83938.2732](https://doi.org/10.22054/JCLR.2025.83938.2732)

views of legal scholars, the synthesis of legal provisions, and similar factors. In the domestic literature, it has almost become a cliché that Iran's criminal procedure system is of a "mixed" type: during the preliminary investigation stage, it bears the characteristics of an inquisitorial system, while during the trial stage, it supposedly adopts features of the accusatorial system. Discussions of the development of this mixed system have so far centered mainly on the pre-trial stages and their gradual movement toward a more accusatorial structure. In contrast, authors have addressed the trial stage far less frequently. This neglect may be precisely why the cliché has seldom been subjected to serious reflection or criticism and is instead accepted as a settled and unproblematic matter.

However, when the existing theoretical literature on inquisitorial and accusatorial adjudication (as typically associated with the Civil Law and Common Law families, respectively) is examined more closely—alongside the relevant provisions of the Code of Criminal Procedure and the actual practice of criminal adjudication in Iranian courts—the prevailing belief becomes open to doubt. This article therefore seeks to answer the question: *What are the challenges to realizing an accusatorial trial stage in Iranian law?*

To address this question, the article employs a descriptive-analytical method and library research. It first discusses the theoretical basis for the idea that a "mixed" criminal procedure system is possible—a model that ostensibly creates balance by drawing on elements of both inquisitorial and accusatorial systems. It then examines, as far as possible, the claim that Iran's criminal trial stage incorporates accusatorial elements, both in legal doctrine and in the Code of Criminal Procedure adopted in 2013. A conclusion is then drawn from the synthesis of these two parts.

The findings indicate that in so-called mixed systems, the materials collected during the pre-trial stages and the indictment exert substantial influence over the court proceedings. As a result, inquisitorial elements—especially the judge’s investigative role—tend to dominate over adversarial contestation between the parties. The trial becomes largely formal and confirmatory. In practice, the claim that the trial stage is conducted according to accusatorial principles does not materialize.

With regard to Iran specifically, the hypothesis of this research—that criminal adjudication exhibits more inquisitorial than accusatorial characteristics—is confirmed. Although lawyers do have a role, the central role belongs to the case file and to the judge. The adversarial “battle” between the parties does not occur; instead, the struggle appears to unfold between the judge and the accused, with the judge effectively continuing the role of the prosecutor and becoming a party to the case.

An examination of key articles of the 2013 Code of Criminal Procedure that purport to regulate adversarial trials reveals a lack of alignment with the Common Law concept of adversariality. Moreover, the Code’s continued emphasis on truth-finding during the trial stage, together with the recognition of the judge’s personal knowledge as the highest form of probative evidence—a doctrine that can undermine the principles of orality and immediacy—further demonstrates the gap between terminology and substance. From this perspective, many of the 2013 reforms appear superficial, limited primarily to adopting certain vocabulary. At best, they reflect a legislative awareness of, or aspiration toward, European procedural models and an attempt to create a more democratic facade under pressures from the global community.

Overall, the findings of this research suggest that reliance on the label of a “mixed system” can be misleading, detached from procedural reality, and ultimately aligned with existing structures of power.

Keywords: inquest; confrontation; accusatorial procedure system; inquisitorial procedure system; mixed procedure system.



بررسی عوامل رافع مسئولیت کیفری از منظر بایسته‌های نظم ساختاری، جامعیت و سودمندی

عباس منصورآبادی  عضو هیئت علمی دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

مهدی شیدائیان*  عضو هیئت علمی دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

فردوس آفاگل‌زاده  دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران

زهره رجائی  دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

درمورد نظام دادرسی کیفری حاکم بر کشور ایران، این امر تقریباً به یک کلیشه تبدیل شده که ساختار آن از نوع نظام مختلط (تعادلی) است؛ یعنی در مرحله تحقیقات مقدماتی از ویژگی‌های نظام تفتیشی، و در مرحله رسیدگی از ویژگی‌های نظام اتهامی بهره می‌برد. با این حال، تأمل در داده‌های نظری موجود مربوط به نحوه رسیدگی کیفری در دو نظام دادرسی تفتیشی و اتهامی - که به ترتیب نوعاً در دو خانواده حقوقی سیول‌لا و کامن‌لا حاکم‌اند - و نگرستن به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری از این منظر، این باور محل تردید قرار می‌گیرد. از این رو، این مقاله در صدد است که به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای، به این پرسش پاسخ بگوید که چالش‌های تحقق اتهامی بودن مرحله رسیدگی در حقوق ایران کدامند؟ یافته این پژوهش این است که در رسیدگی‌های کیفری ایران، نقش محوری به‌عهده اطلاعات پرونده و قضات است، نبرد و ترافع چندانی میان طرفین در نمی‌گیرد، و در مجموع سویه‌های تفتیشی در این رسیدگی‌ها پررنگ‌تر از سویه‌های اتهامی است. بنابراین اساساً سخن گفتن از نظام دادرسی «تعادلی» تا اندازه زیادی گمراه‌کننده و خالی از واقعیت است.

کلیدواژه‌ها: استنطاق، ترافع، نظام دادرسی اتهامی، نظام دادرسی تفتیشی، نظام دادرسی مختلط.

مقدمه

تفتیشی^۱ یا اتهامی^۲ بودن نظام دادرسی هر کشور امری نیست که در قانون به آن تصریح شده باشد، و تنها با بررسی پیشینه فرهنگ هر کشور، آرای حقوق دانان، جمع میان مواد قانونی و عواملی از این دست، می توان درمورد آن قائل به تشخیص شد. در کشور ما در کتب مربوط، این امر تقریباً به یک کلیشه تبدیل شده که نوع نظام دادرسی کیفری کشور ایران، نظام مختلط^۳ است؛ یعنی در مرحله تحقیقات مقدماتی ویژگی های نظام تفتیشی بر آن حاکم است، و در مرحله رسیدگی از ویژگی های نظام اتهامی بهره می برد.^۴ آنچه که درمورد تغییر و تحول نظام مختلط تاکنون مورد بحث و بررسی قرار گرفته، ناظر به مراحل پیشامحاكمه و حرکت آن به سمت هرچه بیشتر اتهامی برگزار شدن است؛ ولی نویسندگان درمورد نظام مختلط کمتر متعرض مرحله رسیدگی شده اند. و شاید همین امر باعث شده که این کلیشه چندان محل تأمل و انتقاد قرار نگیرد و غالباً آن را به عنوان امری تبیین شده و روشن بپذیرند.

درحالی که با توجهی دقیق تر به داده های نظری موجود درباره نحوه رسیدگی کیفری در دو نظام دادرسی تفتیشی و اتهامی - که به ترتیب نوعاً در دو خانواده حقوقی سیول لا و کامن لا حاکم هستند - و نیز با نگاهی به مقررات قانون آیین دادرسی کیفری از این منظر

۱ Inquisitorial

۲ Accusatorial

۳ Mixed system

۴. برای دیدن برخی منابع آیین دادرسی کیفری در این زمینه، که این عبارت کم و بیش در آن ها تکرار شده است، نک: آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۱۴؛ آشوری، ۱۳۹۷: ۸۱-۸۲؛ خالقی (الف)، ۱۳۹۵: ۳۶؛ منصورآبادی و فروغی، ۱۳۹۵: ۲۱؛ طهماسبی، ۱۳۹۸: ۵۶؛ زراعت، ۱۳۹۳: ۹۰؛ رحمدل، ۱۳۹۶: ۴۲؛ رستمی، ۱۳۹۷: ۴۱؛ ناجی زواره، ۱۳۹۵: ۴۹-۵۰؛ یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۳؛ محمدی و بیژنی میرزا، ۱۴۰۱: ۴۳-۴۴

۵. این تغییرات در کشور ما نیز مورد توجه حقوق دانان و قانونگذار (به خصوص در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲) قرار گرفته است. از میان مقالات نگاشته شده در این خصوص می توان به این دو مورد اشاره کرد: تقویت مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق موضوعه و الزامات اخلاقی (وطنی و دیگران، ۱۳۹۹)، نوآوری های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی (گلدوست جویباری و دیگران، ۱۳۹۷).

و نیز مشاهده روند رسیدگی کیفری در دادگاه‌ها، این باور با تردید و تأمل روبرو می‌شود. از این رو، این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش برآمده است که چالش‌های تحقق اتهامی بودن مرحله رسیدگی در حقوق ایران کدامند؟ فرضیه نگارندگان این است که با توجه به معیارهای اصلی بازشناخت نظام دادرسی اتهامی از نظام دادرسی تفتیشی، انجام رسیدگی به صورت اتهامی بروز و ظهور نمی‌یابد، و درواقع بیشتر سویه‌های تفتیشی دارد تا اتهامی. بنا بر جست‌وجوی نگارندگان، تاکنون منبعی داخلی که به طور مستقل درمورد اتهامی برگزار شدن مرحله رسیدگی در دادگاه‌های کیفری ایران نوشته شده باشد، وجود ندارد. و همان طور که گفته شد، بیشتر آثار درباره مراحل پیشامحاكمه و تغییرات آن به نفع متهم است. البته در برخی منابع اشاره‌هایی گذرا و درحد طرح بحث در این زمینه وجود دارد؛ از جمله در بخشی از یک رساله دکتری با عنوان «تحلیل نظام دادرسی کیفری ایران در پرتو آموزه‌های اقتصادی» به طور مختصر به این موضوع که رسیدگی‌های کیفری ما دراصل ترافعی نیستند پرداخته شده است (نک: فضلی، ۱۳۹۷: ۳۱۴-۳۰۸). همچنین در مقاله‌ای با عنوان «اصل ترافعی بودن محاکمات کیفری در حقوق ایران» (زراعت و اشرافی، ۱۳۹۷)، راجع به اصل تناظر کیفری در مراحل مختلف دادرسی کیفری و موانع موجود سخن گفته شده است، که طبعاً در آن به مرحله رسیدگی نیز اشاره شده است.

برای رسیدن به پاسخ پرسش اصلی پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای ابتدا درمورد اساس ادعای امکان «مختلط بودن» یک نظام دادرسی کیفری و ایجاد نوعی توازن و تعادل با بهره‌گیری از ویژگی‌های هر دو نظام دادرسی تفتیشی و اتهامی، سخن گفته می‌شود. سپس کوشش می‌شود که ادعای بهره‌گیری از عناصر نظام دادرسی اتهامی در مرحله رسیدگی کیفری در نظام دادرسی کشور ایران، در دکتترین و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا حد امکان مورد بررسی قرار گیرد و درنهایت ازمجموع این دو بخش، به نتیجه‌گیری دست یافته شود.

۱. بازنگری در امکان «مختلط» بودن یک نظام دادرسی کیفری

در حال حاضر وجود برخی نهادهای بین‌المللی همانند دیوان کیفری بین‌المللی^۱ یا دیوان اروپایی حقوق بشر^۲ به روند نزدیک شدن دادرسی‌های کیفری به یکدیگر کمک کرده است. (یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۲). به تعبیر برخی نویسندگان، امروزه هیچ کشوری وجود ندارد که فقط قواعد نظام اتهامی یا نظام تفتیشی را رعایت کند؛ زیرا در هریک از این نظام‌ها کاستی‌هایی وجود دارد که اجرای آن‌ها موجب اختلال در عدالت کیفری می‌شود. بنابراین، قانونگذاران سعی می‌کنند محاسن هر دو نظام را الگوی خود قرار بدهند و قوانین خود را بر پایه آمیزه‌ای از این دو نظام تنظیم کنند (زراعت، ۱۳۹۳: ۸۰). با این حال، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی نیز می‌توان مرزهای دقیقی میان نظام‌های دادرسی کیفری ترسیم کرد (یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۲). به عبارت دیگر، می‌توان موضوع را این گونه تبیین کرد که مدل‌سازی نظام‌های دادرسی کیفری در قالب الگوهای «تفتیشی» و «اتهامی» و «مختلط»، با وجود انتقادهای وارده مبنی بر فاصله‌گیری از واقعیت و ساده‌سازی، از اعتبار علمی و ارزش تبیینی برخوردار است. این مدل‌ها، که بر پایه روش «انواع آرمانی»^۳ جامعه‌شناس مشهور، ماکس وبر^۴ بنا شده‌اند، ادعای توصیف دقیق و کامل نظام‌های واقعی را ندارند، بلکه ابزارهایی مفهومی هستند که با برجسته کردن ویژگی‌های محض و افراطی، امکان درک، تبیین و مقایسه نظام‌های پیچیده واقعی را فراهم می‌کنند (نک: کوشکی، ۱۴۰۰: ۳۴۰؛ Langer, 2014: 896-897؛ Jackson, 2005: 741-742؛ Damaška, 1973: 577-578).

بنابراین، درست است که در عمل، هیچ نظام دادرسی را نمی‌توان کاملاً و صددرصد مطابق با یکی از این انواع آرمانی دانست و همه نظام‌ها کم‌وبیش واجد عناصری از هر دو مدل‌اند. با این حال، همین الگوهای نظری، معیاری مستقل برای سنجش و جای‌دهی نظام‌های مختلف در طیفی میان دو قطب تفتیشی و اتهامی ارائه می‌دهند و تحلیل تطبیقی

۱ International criminal court

۲ European Court of Human Rights (ECHR)

۳ ideal-types

۴ Maximilian Karl Emil Weber

مؤثری درمورد مسائل گوناگون دادرسی -مانند رعایت حقوق متهم در حین رسیدگی، دستیابی بهتر به حقیقت و...- را ممکن می‌سازند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، نظام دادرسی کیفری مختلط به این معناست که در مرحله تحقیقات مقدماتی ویژگی‌های نظام تفتیشی حاکم است، و در مرحله رسیدگی از ویژگی‌های نظام اتهامی بهره گرفته می‌شود. اما با تأمل در ویژگی‌های اصلی دو نظام دادرسی تفتیشی و اتهامی و نیز در کیفیت روند دادرسی در دو مرحله تحقیقات و رسیدگی، پرسشی اساسی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا اصلاً می‌توان مرزی مشخص میان این دو مرحله ترسیم کرد؟ آیا مختلط بودن یک نظام دادرسی، واقعاً به معنای برقراری نوعی توازن و تعادل میان عناصر تفتیشی و اتهامی و بهره‌مندی هم‌زمان از مزایای هر دو است یا اینکه درنهایت این نظام بیشتر به یک سمت متمایل خواهد بود؟ آیا می‌توان از تجاوز نکردن عنصر تفتیش از مرحله تحقیقات به مرحله رسیدگی و غالب نشدن آن بر عنصر ترافع اطمینان داشت؟ برای پاسخ به این پرسش، لازم است عناصر اساسی نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی را بازشناخت، تا بتوان بر مبنای آن نظام دادرسی مختلط را ارزیابی کرد.

۱-۱. معیار تشخیص نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی

نویسندگان حوزه آیین دادرسی کیفری برای این دو نظام دادرسی ویژگی‌هایی را برشمرده‌اند، که با تأمل در این زمینه، این گونه به نظر می‌رسد که اساس این دو نظام، با دو مشخصه -که به نوعی مکمل یکدیگر هستند- روشن می‌شود:

۱-۱-۱. رقابت محوری در مقابل استنطاق

یکم اینکه، روند رسیدگی در نظام‌های اتهامی (کشورهای کامن‌لا)، رقابت محوری، و روند رسیدگی در نظام‌های تفتیشی (کشورهای سیول‌لا)، استنطاق محوری است. به عبارت دیگر، در نظام اتهامی، دو طرف -یعنی متهم/ وکیل او و دادستان- به حالتی فعال به منظور فصل

۱ contest

۲ inquest

خصوصیت نبرد می‌کنند و قاضی (و احیاناً هیئت منصفه - در جرایم دارای اهمیت بیشتر-) تنها نقش داوری خنثی را در این رقابت بازی می‌کند، اما در نظام تفتیشی، این قاضی است که نقش فعال را برعهده دارد و- به نوعی در ادامه روند کار تحقیقات که در مرحله پیشامحاكمه انجام شده است- به تحقیق از اعضای پرونده برای کشف حقیقت^۱ می‌پردازد و نقش طرفین پرونده (و وکلای آنها) در این رسیدگی نقشی حاشیه‌ای محسوب می‌شود (Jackson, 2005: 743-744).

۱-۲. تفکیک تحقیقات از رسیدگی

در کنار این ویژگی اصلی، برخی از نویسندگان بر این موضوع تاکید کرده‌اند که تفاوت اصلی نظام تفتیشی و اتهامی را نباید با توجه به آنچه که در دادگاه رخ می‌دهد سنجید؛ بلکه معیار مهم‌تر آن است که آیا نظام دادرسی کیفری میان دو مرحله تحقیقات و رسیدگی، مرز مشخصی قائل می‌شود یا خیر؛ درواقع اگر در یک نظام دادرسی، علی‌رغم اینکه عنصر ترافع^۲ در آن به رسمیت شناخته شده باشد، دستیابی قاضی به اطلاعات پرونده (پرونده‌ای که در برخی کشورها از جمله فرانسه، هلند و نیز ایران، با نظر یک مقام قضایی در پایان آن مرحله نیز همراه شده است!)، باعث شود که در عمل اصول شفاهی بودن رسیدگی و بی‌واسطه بودن^۳ بررسی دلایل ازسوی قاضی نادیده گرفته شود و مرحله رسیدگی را به حالت یک امر نمادین، فرمایشی و صرفاً تأییدکننده^۴ مرحله تحقیقات تبدیل کند، این به معنای یک نظام دادرسی تفتیشی است، حتی اگر عنوان آن مختلط باشد و ادعا کند که

۱. در نظام تفتیشی، فرایند دادرسی به دنبال کشف حقیقت (حقیقت واقعی / مادی / objective / substantive) است و در نظام اتهامی به دنبال فصل خصومت، که از آن به حقیقت شکلی / قضایی (subjective / formal) تعبیر می‌شود (زراعت، ۱۳۹۸: ۲۶۹؛ درویش، ۱۳۹۸: ۵۱ و ۵۹؛ Grande, 2016: 617)

۲ Confrontation

۳ Orality and Immediacy

۴. از این وضعیت به عنوان یکی از بزرگ‌ترین معایب نظام دادرسی تفتیشی، تحت عنوان سوگیری تأیید (Confirmation Bias) یاد می‌شود. (Komter & Slobogin, 2014: 713; Brants, 2012: 1110) (Malsch, 2012: 412)

رسیدگی‌ها در آن با ویژگی اتهامی برگزار می‌شود (Illuminati, 2005: 567-570; Pizzi and Creaton & Pakes, 2011: 54; Panzavolta, 2016: 621; Marafioti, 1992: 3-4). دقیقاً به همین خاطر است که در کشور ایتالیا بعد از تغییر قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۹۸۸ حرکت به سوی یک نظام اتهامی، تنها تحقیقات مختصر و محدود انجام می‌شود و پرونده‌ای کم حجم به نظر قاضی می‌رسد؛ زیرا تحصیل واقعی دلیل باید با رعایت اصل تساوی بین اصحاب دعوا و در دادگاه صورت پذیرد^۲ (آشوری، ۱۳۹۷: ۹۷).

۱. لازم به ذکر است که یکی از ویژگی‌های مرحله رسیدگی در دادگاه در نظام‌های دادرسی مختلط و از جمله کشور ما، که در منابع داخلی همواره با تأکید یکی از شاخصه‌های اتهامی بودن آن معرفی می‌شود، «علنی بودن» است. اما با مطالعه منابع و تدقیق بیشتر برای کشف شاخصه‌های اصلی نظام دادرسی اتهامی و تفتیشی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که رسیدگی علنی، دلیلی بر اتهامی بودن نیست! برای مثال، یکی از نویسندگان معتبر در حوزه حقوق تطبیقی و آیین دادرسی کیفری، از فرانسه و آلمان به عنوان «کشورهای تحت نظام سیول‌لای تفتیشی» یاد می‌کند. این نویسنده در ادامه همین مطلب عنوان می‌کند که «رسیدگی‌های علنی منحصر به نظام‌های اتهامی نیستند و حتی این دو کشور (فرانسه و آلمان) نیز رسیدگی‌های علنی دارند»! (Pizzi and Marafioti, 1992: 6).

۲. برخی از نویسندگان در این باره این گونه نوشته‌اند که در نظام دادرسی کشورهای سیول‌لا، هیچ محدودیتی در مورد اینکه قاضی مرحله رسیدگی به اطلاعات جمع‌آوری شده در مراحل پیشامحاكمة دسترسی داشته باشد وجود ندارد، اما در نظام دادرسی کشورهای کامن‌لا، به جهت حفظ نقش داور خنثی و بی‌طرفانه قاضی، آن‌ها نباید از قبل به مدارک جمع‌آوری شده در مراحل پیشامحاكمة دسترسی داشته باشند. ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که برخلاف مشخص بودن وضعیت دسترسی قاضی مرحله رسیدگی به اطلاعات مرحله پیشامحاكمة در نظام دادرسی داخلی کشورها (سیول‌لا و کامن‌لا)، بر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی قواعد متفاوتی در این خصوص جاری است. رویه دادگاه‌های موقت بین‌المللی (نظیر ICTY و ICTR) در این زمینه روشن‌تر است، اما دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) در این زمینه رویه مبهم‌تری را اتخاذ کرده و حداقل در خود اساسنامه مشخص نیست که میزان دسترسی شعبه رسیدگی به اطلاعات جمع‌آوری شده در مراحل پیشامحاكمة تا چه اندازه است. به نظر می‌رسد که این ابهام کاملاً تعمّدی است و قصد بر این است که رویه هیچ کدام از کشورهای کامن‌لا یا سیول‌لا بر این امر حاکم نشود و این به تصمیم دادگاه باشد که کدام یک از این رویه‌ها را اتخاذ کند. ذات منعی اساسنامه این اجازه را خواهد داد که قضاتی که از نظام دادرسی سیول‌لا هستند، در برابر وسوسه دسترسی کامل به پرونده پاسخ مثبت دهند؛ در مقابل، قضاتی که از نظام دادرسی کامن‌لا هستند، معمولاً تمایلی به چنین دسترسی‌ای ندارند (See: Kremens, 2015: 84-89).

۲-۱. ارزیابی نظام دادرسی مختلط

بنا بر آنچه در بند قبلی بیان گردید، به نظر می‌رسد در یک نظام دادرسی به اصطلاح مختلط شرایط زیر حاکم باشد:

۱-۲-۱. کنشگری دادرس

قاضی بنا بر وظیفه، نه به عنوان داوری خنثی، بلکه در حکم بازیگری فعال در صحنه دادگاه نقش ایفا می‌کند. از این رو، به نظر می‌رسد اساساً «ترافع» میان طرفین دعوا رخ نخواهد داد و قاعده این است که روی سخن طرفین با دادگاه باشد؛ حتی اگر طرفین (یا وکلای آنها) میان اظهارات یکدیگر بیابند تا آن را با طرح پرسش موردخدا قرار دهند، دادگاه با تذکر برقراری نظم اجازه نخواهد داد و خواهد گفت که طرفین پرسش‌هایشان را نگه دارند و در ختم صحبت‌های طرف، از طریق دادگاه آنها را بپرسند.

درواقع، به گفته برخی نویسندگان که رسیدگی‌های کیفری کشور هلند - به عنوان کشوری با نظام دادرسی به اصطلاح مختلط - را مورد مشاهده قرار داده‌اند، این نوع رسیدگی‌ها اگرچه عناصر اتهامی نیز در دل خود دارند و مثلاً وکلا و دادستان هم در آن نقش ایفا می‌کنند، اما اساس آنها بیشتر تفتیشی است. در آنها این گونه انگاشته می‌شود که تنها یک حقیقت (حقیقت واقعی) وجود دارد و این وظیفه دادگاه است که آن را بیابد. این فرض باعث می‌شود که مشارکت کنندگان در فرایند رسیدگی در نظام دادرسی هلند، در صورتی که دادستان سناریوی وقوع جرم را به گونه‌ای متقاعدکننده ارائه کند، تمایل داشته باشند همان روایت را فوراً بپذیرند. این در حالی است که در نظام دادرسی اتهامی، (وکلا) طرفین برای تضعیف استدلال‌های طرف مقابل تا لحظه آخر می‌کوشند. از این رو، جلسات دادگاه کیفری این کشور اغلب فضای آرام‌تر و مصالحه‌جویانه‌تری نسبت به رسیدگی‌های اتهامی دارند^۱ (see: Komter & Malsch, 2012).

۱. گزاره اخیر را یکی دیگر از مقالات در این زمینه نیز تأیید می‌کند و بر جوّ تهاجمی‌تر رسیدگی‌های اتهامی نسبت به رسیدگی‌های تفتیشی تأکید می‌کند (Mortensen, 2019: 155).

۱_۲_۲. تفوق مکتوبات بر اظهارات شفاهی

در این نظام دادرسی، پرونده‌ای معمولاً آکنده از نتایج تحقیقات در اختیار قاضی است، و از این رو اساس قضاوت در جلسه رسیدگی، بر اطلاعات پرونده و کیفرخواست^۱ متکی است، و نه بر ادله‌ای که در جلسه رسیدگی به بحث و بررسی گذاشته شود. همین امر ممکن است باعث شود که اگر متهم اظهارات مراحل پیشامحاكمه‌اش را نپذیرد یا حتی بخواهد آن‌ها را تصحیح یا تکمیل کند، (اغلب با این توجیه که «معمولاً اولین اظهارات پس از دستگیری، صحیح‌ترین و غیردستکاری‌شده‌ترین اظهارات است»!)، قاضی به وی هشدار دهد که اظهارات در پرونده منعکس است، و به روخوانی اظهارات متهم از روی پرونده مبادرت ورزد؛ چنان که انگار این اظهارات یک حقیقت است که در لوح محفوظ ثبت شده! و بنابراین، به اظهارات شفاهی فعلی متهم - که در حضور شاکی گفته می‌شود - وقع چندانی نهد و تنها به ثبت آن‌ها در صورت جلسه اکتفا کند. گویی جلسه رسیدگی یک مراسم تشریفاتی است که باید برگزار شود، و اگرچه اهتمام خود را «کشف حقیقت» قرار داده است، اما این حقیقت در مراحل پیشامحاكمه کشف شده و اکنون تنها به مهر نهایی خوردن نیاز دارد!

در پژوهشی که درباره نحوه به کارگیری «زبان» در رسیدگی‌های کیفری در نظام‌های دادرسی تفتیشی - با مطالعه موردی کشور هلند و براساس مشاهده رسیدگی‌های کیفری - انجام شده است، عیناً همان موضوعاتی که پیش‌تر ذکر شد، مشاهده گردیده است. که خلاصه یافته‌ها چنین است: در این رسیدگی‌ها، پرونده نه تنها منبع محوری اطلاعات به شمار

۱. تکیه قضات بر مفاد کیفرخواست تا این اندازه است که اغلب در آرای خود، کیفرخواست را نیز در شمار دلایل اثبات جرم ذکر می‌کنند! شاید به نظر برسد که این امری مسامحی است و به عنوان «دلیل بماهودلیل» در آرا ذکر نمی‌شود، اما باید توجه داشت که حتی اگر این گونه باشد نیز، نفس همین کار، روشن کننده نگاه قضات به نقش کیفرخواست در صدور رأی نهایی است. همسو با این موضوع، یک پرسش می‌تواند این باشد که: آیا تغییر عبارت «قرار مجرمیت» به «قرار جلب به دادرسی» در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، می‌تواند بیان کننده تغییر رویکرد واقعی نظام عدالت کیفری در این زمینه باشد؟! عبارت «قرار مجرمیت» به نحوی بیانگر این بود که پرونده گناهکاری یا بی گناهی فرد در همان مرحله دادرسی بسته می‌شود! برخی از نویسندگان در این خصوص این گونه بیان کرده‌اند که طبق ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، گویا دادستان تکلیف اثباتی مضاعفی جز قرائت کیفرخواست ندارد! (شاهد و مهر، ۱۴۰۱: ۳۳۲)

می‌رود، بلکه قاضی از آن برای شکل دادن به گفت‌وگو و مدیریت تغییر موضوع استفاده می‌کند و ارجاعات به پرونده در فرایند رسیدگی، قضات را قادر می‌سازد که از بحث و استدلال با متهم درباره اتهام اجتناب کنند. قضات با گزینش موارد مهم از پرونده، ساختار رسیدگی را از پیش تعیین کرده‌اند و در نتیجه، فضای کمی برای ابتکار باقی می‌ماند (see: Komter & Malsch, 2012).

بنا به دلایلی که ذکر شد، دانشگاهیان و روشنفکران کشور ایتالیا در اواخر دهه ۱۹۶۰، برجسب «مختلط» بودن نظام دادرسی‌شان^۱ را به چالش کشیدند و مخالفت خود را با آن ابراز کردند؛ چراکه از نظر آن‌ها، این برجسب «راهی برای پوشاندن لباس میش بر تن گرگ» بود^۲ (Panzavolta, 2016: 619)! در همین جا و برای آشکار ساختن اهمیت تأمل در به کارگیری این برجسب در توصیف نظام دادرسی، باید یادآور شد که امروزه نیز درحالی که نظریه پردازان انگلیسی-آمریکایی برای توصیف رویه‌های دادرسی کشورهای اروپای قاره‌ای از اصطلاح «تفتیشی» استفاده می‌کنند، نظریه پردازان خود این کشورها تمایل دارند که دادرسی‌های اروپای قاره‌ای مدرن را با عنوان «مختلط» پوشش دهند (کوشکی، ۱۴۰۰: ۳۴۱؛ Jackson, 2005: 741)، تا به نوعی از بدنامی عنوان «تفتیشی» بودن - که یادآور دوران سیاهی از تاریخ دادرسی است -^۳ درمان باشند! درحالی که روشن

۱. در این زمان، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۳۰ بر این کشور حاکم بود؛ قانونی که یادگار دوره فاشیسم در این کشور و اقتباس شده از کد ناپلئون فرانسه مصوب ۱۸۰۸ بود، و ماهیتی تفتیشی داشت! همان‌طور که سایر قوانین آیین دادرسی کیفری کشورهایی که از کد ناپلئون فرانسه اقتباس شده‌اند، و به اصطلاح «مختلط» نامیده می‌شوند، چنین وضعیتی داشتند. (Pizzi and Marafioti, 1992: 2; Illuminati, 2005: 567- 570).

۲. و در نهایت همین انتقادهای داخلی جدی در کنار هشدارهای حقوق بشری خارجی (و البته پاره‌ای از دیگر دلایل) موجب شد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۹۳۰ این کشور - که ماهیتی تفتیشی داشت - دستخوش تحول شود و به سمت یک نظام دادرسی اتهامی حرکت کند (Panzavolta, 2016: 619).

۳. یعنی نظام دادرسی تفتیشی کلاسیک، که پس از نظام دادرسی اتهامی در سیر تاریخ به وجود آمد و در کتب آیین دادرسی کیفری نیز به همین ترتیب در موردشان سخن گفته شده است.

چالش‌های تحقق اتهامی بودن مرحله رسیدگی در حقوق ایران | منصورآبادی و همکاران | ۱۹۷

است تنها تکیه بر تغییر الفاظ نمی‌تواند روی برخی ویژگی‌ها و وضعیت‌های عیان پرده بکشد!

پژوهش حاضر در ادامه به دنبال پاسخ به این پرسش است که ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی در مرحله رسیدگی در دادگاه‌های کیفری ایران تا چه اندازه نمودار و وضعیت قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه چگونه است.

۲. بررسی مرحله رسیدگی کیفری در ایران

اکنون کوشش می‌شود ادعای بهره‌گیری از عناصر نظام دادرسی اتهامی در مرحله رسیدگی کیفری در نظام دادرسی کشور ایران، در آرای حقوق‌دانان و نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تا حد امکان مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۲. درآرای حقوق‌دانان

فارغ از رویکردی که در اغلب منابع دربارهٔ مختلط بودن نظام دادرسی کیفری ایران تکرار می‌شود، در برخی از منابع می‌توان رد پای فراتر رفتن از آن و تشکیک راجع به آن را مشاهده کرد:

در کتاب یکی از استادان در این زمینه آمده است: «در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز ویژگی‌هایی از نظام اتهامی، حتی در موارد استثنایی در مرحله تحقیقات مقدماتی (مثل ماده ۱۹۲)، به چشم می‌خورد» (آشوری، ۱۳۹۷: ۵۶). این سخن نشان‌دهندهٔ این است که از نظر ایشان، فقط برخی از ویژگی‌های نظام اتهامی در مرحله رسیدگی در دادگاه در کشور ما وجود دارد. به عبارت دیگر، این قول این فکر را در ذهن تقویت می‌کند که ایشان از جمله نویسندگانی هستند که به این موضوع که نظام دادرسی ما بیشتر به سمت دادرسی

۱. به تعبیر برخی نویسندگان، این ابتکار فرانسه که می‌خواست هم سرکوب مؤثر جرم را از طریق حفظ ماهیت تفتیشی خود دنبال کند، و هم بعد از انقلاب ۱۷۸۹ چهره‌ای نو به نظام دادرسی خود بدهد و انتقادات انقلابیون را آرام سازد و نوید حفظ آزادی‌های فردی را به جامعه بدهد، برای همهٔ دادرسی‌های کیفری مدرن، یک معضل اساسی به وجود آورد (Tri Wibowo, 2022: 19880)! پژوهش حاضر تلاشی است در جهت روشن ساختن این معضل و اثبات این مسئله که اساساً سخن گفتن از نظام دادرسی «تعادلی» تا چه اندازه می‌تواند گمراه‌کننده و دور از واقعیت باشد.

تفتیشی گرایش دارد، عقیده دارند. اما در صفحات بعدی کتاب، این تفسیر از سخنان‌شان ممکن است با تردید روبرو شود؛ چراکه در مبحث ارزیابی جایگاه قاضی در نظام دادرسی اتهامی - که نقش داور را ایفا می‌کند - دو کشور ایتالیا و ایران مثال زده شده و بیان گردیده است که هر دو کشور با افزودن موادی در قانون آیین دادرسی کیفری خود کوشیده‌اند تا این نقیصه را برطرف کنند و دادگاه را مجاز بدانند که برای نیل به حقیقت و اقناع وجدانی قضات، پرسش‌های ضروری را مطرح کنند (همان: ۶۳-۶۴). درواقع این گونه به نظر می‌رسد که ایشان - حداقل تلویحاً - با آوردن اسم ایران در کنار کشور ایتالیا و قانون مصوب ۱۹۸۸ آن، مرحله رسیدگی در دادگاه‌های ایران را هم نوعی رسیدگی اتهامی تلقی کرده‌اند و قاضی را همچون دآوری معرفی می‌کنند، که صرفاً با ابزارهایی محدود تلاش می‌کند به حقیقت دست یابد. درحالی که این امر، محل تأمل است؛ چراکه به نظر می‌رسد قاضی در نظام دادرسی ما (و به‌طور کلی در نظام‌های دادرسی سیول لا) اساساً مسئول کشف حقیقت است، و این یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز این نوع نظام‌ها به‌شمار می‌رود.^۱

در کتاب یکی دیگر از استادان این حوزه، چنین آمده است که: «حتی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ نیز در این زمینه تفاوتی جدی و ساختاری با آیین دادرسی صد سال پیش‌مان نداشته است» (آخوندی، ۱۳۹۴: ۳۲)، و همچنین در مبحث توضیح نظام مختلط به این موضوع اشاره شده است که «مع‌هذا، به نظر عده‌ای از حقوق‌دانان، روش دادرسی مختلط گرایش بیشتری به سمت نظام تفتیشی دارد» (همان: ۱۱۴).

در برخی دیگر منابعی که در سال‌های اخیر مربوط به حوزه کلی نظام دادرسی کیفری نوشته شده است نیز اشاره‌هایی بعضاً صریح در این زمینه شده است؛ برای مثال، در یکی از آن‌ها این گونه آمده است: «... هرچند دادرسی کیفری ایران در طول تاریخ شاهد تغییر و تحولاتی بوده، ولی این تحولات چارچوب اصلی نظام تفتیشی را مخدوش نکرده است»

۱. برخی از نویسندگان در این باره این گونه نوشته‌اند: «در دادرسی‌های کیفری هدف، کشف حقیقت است و نه فصل خصومت. دادرسی کیفری مانند دادرسی حقوقی نیست تا گفته شود دعوا ملک اشخاص است و قاضی به‌عنوان شخص منفعل و بی‌طرف دعوا می‌باشد. قاضی کیفری نقش فعال و ایجابی دارد و هیچگاه ذکت نادانی را بر خود روا نمی‌دارد، بلکه در پی کسب عزت دانایی است» (زراعت، ۱۳۹۴: ۲۳۲-۲۳۳؛ نیز نک: زراعت و اشرفی، ۱۳۹۷: ۲۷).

(درویش، ۱۳۹۸: ۶۴). یکی دیگر از نویسندگان نیز به این طرح پرداخته است که رسیدگی‌های کیفری ما در اصل توافقی نیستند و ظاهراً توافقی هستند (نک: فضل‌ی، ۱۳۹۷: ۳۱۴-۳۰۸ و ۴۰۹-۴۰۸). منظور از اشاره به نوشته‌های اخیر این است که نشان داده شود، هرچند در منابع داخلی این موضوع به صورت نگرش غالب درآمده است که نظام دادرسی کیفری ایران یک نظام مختلط است، اما صداهایی محدود -بی آنکه به طور خاص و مستقل بر این موضوع تمرکز کنند- وجود دارند که در این موضوع تشکیک کرده‌اند و آن را زیر سؤال برده‌اند.

۲-۲ در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

برای نگرستن به چهره و ساختار کلی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درمورد ادعای بهره‌مندی از ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی در مرحله رسیدگی، ابتدا به برخی از مهم‌ترین مواد مرتبط با موضوع توافقی بودن رسیدگی، و سپس به برخی از دیگر نکاتی که می‌توان از این قانون در ارتباط با ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی در مرحله رسیدگی استخراج کرد، اشاره می‌شود. به علاوه، عندالاقضاء به فصل ادله اثبات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز نگرسته می‌شود.

۲-۲-۱. تصریح قانونگذار به توافقی بودن

قانونگذار در ماده ۳۵۹ به توافقی بودن رسیدگی تصریح کرده است و ماده ۱۹۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، متناظر با این ماده است. با نگاه به این دو مقرره، شاید در نگاه اول این گونه به نظر برسد که رسیدگی در قانون جدید توافقی تر شده و مثلاً افزودن قید «به صورت توافقی» در توضیح ترتیب رسیدگی در ماده ۳۵۹، حاکی از این امر است! اما پرسش اینجاست که آیا صرف افزودن یک قید، بدون اینکه به لوازم و استلزامات آن التفات و پابندی وجود داشته باشد، به توافقی شدن روند رسیدگی منجر می‌شود؟

توضیح آنکه، چنان که پیش تر گفته شد، آنچه که در نظام دادرسی اتهامی از آن به «توافقی بودن» یاد می‌شود، نوعی نبرد و رقابت میان طرفین دادرسی است، که هر دو برای غلبه یافتن بر دیگری تلاش می‌کنند و می‌جنگند! قاضی، منفعل است و نقش یک داور را

در این نبرد ایفا می‌کند و در نهایت باتوجه به رقابت میان وکلا و قوت ادله‌ای که در جلسه ارائه می‌کنند، به یک سمت مایل می‌شود و حکم می‌دهد. درواقع در نظام کامن‌لا به این خصوصیت که «دعوا شیء متعلق به طرفین است» پابندی وجود دارد (درویش، ۱۳۹۸: ۵۱).

برای روشن‌تر شدن موضوع خالی از فایده نیست که به این مطلب اشاره گردد: در اصلاحی که در قانون آیین دادرسی کیفری کشور لهستان در سال ۲۰۱۳ در راستای تحوّل از نظام رسیدگی تفتیشی به اتهامی صورت گرفت، در ماده ۱۶۷ آن این‌گونه مقرر شد که بررسی شهود و ادله^۱ توسط طرفین^۲ با اجازه رئیس دادگاه (و صرفاً در موارد استثنایی، توسط قاضی) انجام پذیرد. درحالی که تا قبل از این اصلاح، قاعده این بود که این امر به درخواست طرفین یا توسط قاضی انجام شود (Bednarek, 2015: 61).

به عقیده برخی از نویسندگان از قول متخصصان حوزه آیین دادرسی کیفری کشور لهستان، به نظر می‌رسد که این امر مهم‌ترین اصلاح قانون ذکر شده باشد؛ چرا که نقش قاضی را از اجراکننده مرحله بررسی شهود، به داوری میان طرفین که این امر را انجام می‌دهند تبدیل کرد؛ همان‌گونه‌ای که در دادگاه‌های آمریکا در نظام کامن‌لا معمول است.^۴ ضمن آنکه در قانون جدید، ادله‌ای که در مراحل پیشامحاكمه جمع‌آوری می‌گردد، به نفع^۵

^۱ Evidential proceedings

^۲ By the parties

^۳ At the request of the parties

^۴ این فرایند در رسیدگی‌های کامن‌لا، به عنوان Adversary system شناخته می‌شود و به این صورت است که ابتدا Direct-examination که از آن به Examination-in-chief نیز تعبیر شده، صورت می‌پذیرد؛ یعنی طرفین با پرسیدن پرسش‌های مکرر از شهود خود، خودشان امر رسیدگی را برعهده دارند و قاضی تنها بر این امر ناظر است. سپس، مرحله Cross-examination که به معنای سؤال کردن (های مکرر) از شهود، توسط طرف مقابل است، صورت می‌گیرد. و سپس ممکن است مجدداً مرحله Re-examination یا Redirect-examination توسط طرفین انجام گیرد، که طی آن احضارکننده شهود می‌تواند مجدداً پرسش‌های مطلوب خود را پرسد (نک: آشوری، ۱۳۹۷: ۹۴). در ادامه، درخصوص فرایند Cross-examination بیشتر توضیح داده خواهد شد.

^۵ For

دادستان و برای معرفی به دادگاه^۱ است، اما در قانون قبل از اصلاح، ادله به نفع دادگاه جمع‌آوری می‌شد. درواقع، این تغییر به نکته‌ای بنیادین اشاره دارد: در نظام دادرسی اتهامی، قاضی در کنار دادستان و در تیم وی نقش آفرینی نمی‌کند؛ اما در نظام دادرسی تفتیشی، این گونه است که گویا قاضی ادامه کار دادستان را انجام می‌دهد و یک طرف دعوا است! (Bednarek, 2015: 61)

بنا بر آنچه بیان گردید، چنین برداشت می‌شود «ترافعی بودن» در نظام دادرسی ما به گونه‌ای دیگر از مفهومی که در بستر اصلی خود - یعنی کشورهای خانواده کامن‌لا- دارد، فهم و تعبیر شده و گویا صرفاً تقلیل یافته است به این مفهوم که «طرفین می‌توانند در حضور دیگری مطالبی را در اثبات موضع خود بیان کنند و از موضع و اظهارات طرف دیگر آگاه شوند»^۲ (خالقی (ج)، ۱۳۹۵: ۳۹۸). بنا بر توضیحات پیش گفته، به نظر می‌رسد به جد

۱ To the court

۲. البته این استاد در منبع مذکور در شرح ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری و درخصوص قید «ترافعی» به طور مختصر و ارتجالی این توضیح را آورده‌اند، و الا بدیهی است که ایشان نیز به معنای واقعی ترافعی برگزار شدن وقوف داشته و در کتاب دیگر خود در توضیح ویژگی ترافعی بودن در نظام اتهامی آورده‌اند که: «دادرسی کیفری همچون یک دادرسی حقوقی بود که شاکی و متهم در جایگاه خواهان و خوانده قرار داشتند، شاکی دلایل خود را ابراز می‌داشت و متهم در موقعیتی برابر با او و با اطلاع از دلایل طرف مقابل خود، به رد دلایل اتهام می‌پرداخت و قاضی با ملاحظه نبرد قضایی طرفین در پایان حکم خود را صادر می‌کرد» (خالقی (الف)، ۱۳۹۵: ۳۴).

یکی دیگر از نویسندگان نیز در شرح ذیل ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، با اشاره به ماده مقدماتی قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (مصوب ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰) که مقرر می‌دارد «آیین دادرسی باید منصفانه و ترافعی باشد و بین اصحاب دعوا تعادل برقرار کند...» با تعریف ویژگی ترافعی بودن در نظام دادرسی اتهامی به این صورت که «متهم در جلسه رسیدگی از کلیه اتهامات و ادله مثبته آن اطلاع می‌یافت و این ادله آزادانه مورد بحث و گفتگو قرار می‌گرفت و پس از دفاع متهم و پایان پذیرفتن تحقیقات از سوی دادگاه، قاضی که حکم محسوب می‌شد، با در نظر گرفتن ادله طرفین، به صدور حکم اقدام می‌کرد»، بیان کرده است که این همان ترافعی بودن رسیدگی است که در این ماده به آن اشاره شده است. (سلیمی و بخشی‌زاده اهری، ۱۳۹۳: ۲۴۹-۲۵۰). بنابراین این نویسنده نیز به توضیح قید ترافعی بودن پرداخته است بدون اینکه به موضوع پرسش مستقیم و پرسش متقابل اشاره‌ای داشته باشد و نیز نقش قاضی را در رسیدگی‌های کیفری ایران به طور دقیق تبیین کند.

این ضرورت وجود دارد که میان مفهوم حضوری بودن و شفاهی بودن رسیدگی و سایر مفاهیم مشابه با مفهوم ترافیعی بودن رسیدگی، تفاوت قائل شد و آن‌ها را از یکدیگر متمایز دانست.^۲

یکی از نویسندگان درباره این موضوع این گونه بیان کرده است که اگرچه حق متهم به حاضر کردن شهود خود در حین رسیدگی و پرسش از آن‌ها، نشئت گرفته از اصل تساوی سلاح‌ها بین متهم و دادستان است و در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده، اما درواقع بیشتر کشورهای عضو کنوانسیون متعلق به نظام حقوقی قاره‌ای هستند (و نه کامن‌لا). ازاین‌رو، چنین فرایندی در آن‌ها رایج نیست (رحمدل، ۱۳۹۴: ۷۰-۷۱). این نویسنده درخصوص اینکه چنین حقی که در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و برای تمامی کشورهای عضو در نظر گرفته شده، چطور می‌تواند صرفاً درمورد برخی کشورهای اروپایی (که نظام کامن‌لایی دارند) نگاشته شده باشد، توضیح بیشتری نداده‌اند. حال آنکه اساساً کشورهای عضو خانواده کامن‌لا براساس سنت و رویه خود چنین حقی را از پیش برای طرفین به رسمیت شناخته‌اند و به تأکید به این حق به عنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه از سوی کنوانسیون نیازی ندارند.

به هر حال در این وهله منظور نگارندگان حاضر این است که نمی‌توان از کنار این موضوع، یعنی ترافیعی برگزار شدن رسیدگی، به این سادگی گذر کرد و با تفسیرهای تقلیل‌گرایانه حق متهم را در فرایند رسیدگی نادیده گرفت و ترافیعی برگزار شدن را بدون

۱. به تعبیر برخی نویسندگان، اصل شفاهی بودن دادرسی اساسی‌ترین اصل در محاکمه کیفری است و اهمیت آن ازاین‌رو است که بسیاری از اصول دیگر نیز بدون این اصل تحقق پیدا نمی‌کنند. تحقیقاتی که دادسرا انجام می‌دهد و همراه با ادله جمع‌آوری شده به دادگاه ارسال می‌کند به حصول قناعت وجدان قاضی کمک مؤثری می‌کند، اما قاضی دادگاه برای اینکه یقین پیدا کند نیازمند تحقیقات بیشتری است که در اصطلاح دادرسی کیفری «تحقیقات تکمیلی» نامیده می‌شود و این به این معنا است که گواهان بار دیگر در دادگاه شهادت دهند و دادگاه اظهارات آنان را به چالش بکشد و به طرفین دعوا اجازه دهد که چنانچه پرسشی دارند که به کشف حقیقت کمک می‌کند آن را مطرح سازند.

برای دیدن توضیحات کامل درخصوص این اصل نک: زراعت، ۱۳۹۴: ۲۱۲-۲۲۴

۲. برای دیدن مطلب یکی از نویسندگان در توضیح تفاوت مفهوم ترافیعی برگزار شدن با مفاهیم مشابه از جمله دادرسی عادلانه، اصل تناظر و... نک: محمدی و بیژنی‌میرزا، ۱۴۰۱: ۲۹-۳۹

توجه به مبانی و علل ضرورت آن، صرفاً یک تشریفات و سنت (که تنها مربوط به برخی کشورهاست) تلقی کرد.^۱

البته اگرچه اغلب نویسندگان از توضیح و تبیین مفهوم توافعی بودن رسیدگی شانه خالی کرده‌اند (محمّدی و بیژنی‌میرزا، ۱۴۰۱: ۱۲)، اما در برخی منابع متأخر جسارت تبیین آن قابل مشاهده است؛ برای مثال، برخی از نویسندگان ذیل عنوان «عدم تحقق معیارهای بارز دادرسی توافعی، زمینه‌ای برای قدرت غیرقابل توجیه مقام قضایی» به صراحت بیان کرده‌اند که «طرفین دعوا در دادرسی توافعی در معنای واقعی، حضور فعال در جلسه رسیدگی دارند، به نحوی که شهود مورد پرسش از جانب طرفین دعوا قرار می‌گیرند. ... معنای واقعی دادرسی توافعی در این پرسش متقابل به همراه یک قاضی که نقش فعالانه‌ای ندارد نهفته است. مستنبط از ماده ۳۵۹، قانونگذار ایران، علی‌رغم تصریح به اینکه دادرسی به شکل توافعی صورت می‌گیرد، تحقق مفهوم اصلی آن را تأمین نکرده است. ... در بندهای مختلف ماده مذکور، اساساً طرفین حقی به صراحت بر دعوا و دفاع متقابل ندارند ...» (شاهد و مهر، ۱۴۰۱: ۳۳۵-۳۳۶). یکی دیگر از نویسندگان نیز توافعی برگزار شدن را به طور موجز اما دقیق این گونه توضیح داده‌اند: «امکان ارائه دادن دلایل تنها از سوی طرفین و به چالش کشیدن دلایل طرف مقابل» (یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۳-۵۴). بنابراین ملاحظه می‌گردد که اگر بر این امر قصد و اهتمام وجود داشته باشد که خود را از زیر یوغ تکرار الفاظ فریبده‌ای همچون «در نظام دادرسی مختلط مرحله رسیدگی با ویژگی‌های دادرسی اتهامی برگزار می‌شود» برهانیم، با مراجعه به مأخذ و بستر اصلی مفهوم توافعی برگزار شدن، یعنی نحوه رسیدگی‌های کامن‌لایی، موضوع تا اندازه زیادی روشن و انکارناپذیر است.^۲

۱. در زمینه حق استماع و استنطاق شهود، که شامل دو بخش امکان معرفی شهود خود توسط طرفین در دادگاه و نیز امکان پرسش از شهود طرف مقابل است، نک: سپهری، ۱۳۹۵: ۲۲۳-۲۲۴؛ محمدی و بیژنی‌میرزا، ۱۴۰۱: ۱۹۴-۱۹۹؛ شاهد و مهر، ۱۴۰۱: ۳۰۴-۳۰۵.

۲. یکی از نویسندگان، نظریه قابل توجهی در این خصوص ارائه کرده و معتقد است که این گونه نیست که نهادهای کامن‌لایی در بستر کشورهای اروپای قاره‌ای بد ترجمه یا تفسیر شده باشند، بلکه این تفاوت یا تقلیل مفهومی به گونه‌ای نسبتاً آگاهانه و به جهت ایجاد ظاهر لیبرال‌تر در جامعه جهانی، و در عین حال پایبندی به همان اصالت و پیشینه تفتیشی دادرسی در این کشورها است. نویسنده در این مقاله این گونه ادعا می‌کند که دقیقاً همانند تزریق واکسن به بدن که آن

در انتهای این قسمت لازم به ذکر است که درمورد موضوع ترافعی برگزار شدن رسیدگی، ماده ۳۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، نیز قابل تأمل است؛ به تعبیر برخی نویسندگان، تکلیف دادگاه به اینکه بدون تعیین وقت رسیدگی و بدون حضور طرفین، خود به بررسی پرونده بپردازد و در صورت تشخیص منع تعقیب، اتخاذ تصمیم کند، بدعتی عجیب و مغایر با اصل ترافعی بودن رسیدگی است (خالقی ج)، (۱۳۹۵: ۳۸۵). روشن است در جایی که قرار است درباره ماهیت امر اظهارنظر شود (قرار منع تعقیب)، و قانونگذار حتی حضور طرفین را لازم تشخیص نداده است، به طریق اولی و با توضیحی که پیش تر ارائه شد، برای اصل ترافعی بودن هیچ جایگاهی قائل نبوده است!

۲-۲-۲. طرح سؤال از شهود

ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری سابق که به هریک از اصحاب دعوا اجازه می داد پرسش های خود را از شهود «توسط دادگاه به عمل آورد»، در ماده ۳۲۸ قانون فعلی تبدیل شده است به «با اذن دادگاه مطرح سازد». پرسش اینجاست که آیا این امر، تغییری اساسی و ساختاری محسوب می شود و نحوه رسیدگی ما را متحول ساخته است؟

برخی از نویسندگان در این زمینه این گونه اظهارنظر کرده اند که «با عنایت به غیرمرسوم بودن نظام اتهامی رسیدگی در ایران و در نتیجه ناآشنا بودن دست اندرکاران امر قضا نسبت

را در برابر بیماری قوی می کند، این نسخه ها و پیوندهای ضعیف شده اتهامی که در اروپا پیاده می شود، اروپا را در برابر هرگونه تغییر واقعی و اصیل به سمت اتهامی شدن، صرفاً مقاوم می سازد؛ چرا که اروپا وجهه خویش را در جامعه جهانی تقویت کرده و خود را دموکراتیک تر بروز داده است، و دیگر به تغییرات گسترده و ساختاری در جهت اتهامی شدن در معنای آمریکایی آن نیازی ندارد (Grande, 2016). نگارندگان پژوهش حاضر نیز احتمال اتخاذ چنین رویکردی را از سوی کشورهای سیول لا قوی می دانند. ضمناً به نظر می رسد حتی همین تغییرات محدود و گرتته بردارانه انجام شده در برخی کشورهای اروپایی در جهت اتهامی شدن (نظیر پرسش متقابل / cross-examination، و محاکمه توسط هیئت منصفه) در کشور ما تاکنون انجام نشده است.

۱. در پایان این قسمت خالی از فایده نیست که به این مطلب اشاره گردد که: یکی از استادان با اشاره به لایحه آیین دادرسی کیفری کشور ایران، بیان می کند که «در این لایحه، ابتدا به ضرورت منصفانه بودن دادرسی تصریح شده بود، اما به جای واژه ترافعی که بار تقنینی سنگینی را بر دوش قانونگذار تحمیل می کرد، از واژه عادلانه استفاده نمود، و در نهایت در قانون مصوب ۱۳۹۲، از لفظ مستند به قانون به جای آن استفاده شد!» (آشوری، ۱۳۹۷: ۶۳)

به این نظام و خصوصاً تفاوت ماهوی و مبنایی دادرسی کیفری ایران، که نمی‌توان آن را حتی در مرحله محاکمه در دادگاه نیز واجد ماهیتی اتهامی دانست، نمی‌توان بر این معتقد بود که قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری فعلی قصد تأسیس نهادی مشابه پرسش متقابل^۱ در نظام کامن‌لا را داشته است، بلکه صرفاً همانند گذشته اطراف دعوی کیفری این حق را دارند پرسش‌های خود را از شهود یکدیگر بپرسند، بدون اینکه معنای کامن‌لایی آن مدنظر باشد» (زراعت و اشرافی، ۱۳۹۷: ۲۷). تعدادی دیگر از نویسندگان نیز در این باره این گونه بیان کرده‌اند که اگر به حکم ماده ۳۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری به تنهایی نگریسته شود شاید این تصور در ذهن ایجاد گردد که متهم حق پرسش متقابل از شاهد را دارد، ولی وقتی به حکم قسمت اخیر ماده ۳۲۸ مبنی بر اینکه «هریک از اصحاب دعوا و دادستان می‌توانند سؤالات خود را با اذن دادگاه مطرح کنند» توجه شود، این دریافت حاصل می‌شود که امکان طرح پرسش مستقیم برای خود طرفین وجود ندارد و چنانچه پرسشی داشته باشند باید آن را با اذن دادگاه مطرح سازند (رحمدل، ۱۳۹۴: ۷۱؛ محمدی و بیژنی‌میرزا، ۱۴۰۱: ۱۹۷؛ شاهد و مهر، ۱۴۰۱: ۳۱۲-۳۱۳). بنابراین، طبق نظر این دسته از نویسندگان، در ایران نهاد پرسش متقابل به شکلی که در نظام‌های دادرسی اتهامی وجود دارد، به رسمیت شناخته نشده است.

به عقیده نگارندگان حاضر نیز در نظام رسیدگی کیفری فعلی ایران، موضوع پرسش از شهود با همان روند پیشین خود صورت می‌پذیرد و تغییر الفاظ در این خصوص، به تغییر رویه در این زمینه منجر نشده، و اساساً اهتمام قانونگذار نیز به ایجاد چنین امری نبوده است؛ چنین برآیندی با در نظر گرفتن این تغییر در کنار باقی مواد و نگرستن به مجموع آن‌ها حاصل می‌شود. درواقع، کاملاً بعید است که منظور قانونگذار این باشد که انجام مرحله اولیه بررسی ادله و شهود، برخلاف رسیدگی‌های کیفری کامن‌لایی، برعهده طرفین رسیدگی نباشد^۲ و این امر توسط قاضی و پرسش‌های وی انجام پذیرد (که در بند پیشین

^۱ Cross-examination

^۲. یعنی به شکل Direct examination صورت پذیرد.

در این خصوص سخن گفته شد)، اما مرحله پرسش از شهود یکدیگر، به شکل کامن لایی آن برگزار گردد.

۲-۳. الزامی نبودن حضور دادستان

قانونگذار در صدر ماده ۳۰۰، حضور دادستان یا معاون وی را در جلسات رسیدگی دادگاه کیفری دو در صورت تشخیص ضرورت و حضور این اشخاص را در تمامی جلسات رسیدگی دادگاه کیفری یک الزامی دانسته است، اما در ذیل ماده، اضافه کرده است که «لکن عدم حضور این اشخاص موجب توقف رسیدگی نمی شود، مگر آنکه دادگاه حضور آنان را الزامی بداند»^۱

نحوه نگارش قابل تأمل ماده اخیر، به روشنی بر عدم اهتمام قانونگذار به موضوع ترافعی بودن رسیدگی دلالت دارد، و نهایتاً فقط قصد بر این بوده که در هماهنگی با برخی مواد دیگر به نوعی ظاهری بر ترافعی بودن روند رسیدگی تأکید کند، اما به علت فراهم نبودن زیرساخت های لازم^۲ و به بیان دقیق تر، به علت عدم وجود فرهنگ و پیشینه دادرسی اتهامی (که در آن این دادستان است که باید به عنوان یک طرف دعوا در روند رسیدگی حضور فعال و پرسشگرانه داشته باشد، و نه قاضی!)، خود فوری از زیر بار چنین امری شانه خالی کرده است!

^۱Cross-examination

۲. درخصوص این ماده اشاره به این مطلب خالی از فایده نیست که علی رغم برخی اختلاف نظرها، درباره جرائمی که طبق مفاد مواد ۳۴۰ و ۳۴۱ رسیدگی می شوند نیز دادگاه مکلف به دعوت از دادستان است. برای مطالعه در این مورد نک: عابدی، ۱۴۰۳: ۵۰۱-۵۰۲

۳. به قول برخی از نویسندگان، در گذشته نیز با وجود اینکه در بند ج ماده ۱۴ قانون تشکیل آمده بود که «دادگاه عمومی جزایی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دایاران به تعیین دادستان تشکیل می شود...»، عملاً در اغلب موارد نماینده دادرس در دادگاه عمومی جزایی حضور نمی یافت. (سلیمی و بخشی زاده اهری، ۱۳۹۳: ۲۱۰)

نکته درخور توجه اینکه تمامی جرائم لزوماً شاکی خصوصی ندارند. بنابراین، در چنین جرائمی -مانند جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارند و معمولاً با گزارش ضابطان قضایی پرونده شروع و پیگیری می‌شوند- عملاً در جلسه رسیدگی تنها شخص قاضی حضور دارد و متهم! این نوع رسیدگی کمترین شباهتی به ترافع و نبرد میان طرفین دعوا ندارد و درمجموع این گونه به نظر می‌رسد که ترافع درواقع میان قاضی/ قضات و متهم صورت می‌گیرد.

۲-۲-۴. رجحان ارزش اثباتی علم قاضی

باوجود برخی اختلاف نظرهایی که درمورد موضوع علم قاضی در فقه وجود دارد (نک: زراعت، ۱۳۹۸: ۲۱۲-۲۱۳)، به نظر می‌رسد می‌توان بر این دیدگاه قائل بود که در نظام حقوقی اسلام علم قاضی به عنوان بالاترین دلیل اثباتی محسوب می‌شود؛ بنابراین، نظام ادله اثبات آن با نظام ادله مبتنی بر قناعت وجدانی قابل تطبیق است. یکی از صاحب نظران دراین باره با بیان توضیحاتی، این گونه عنوان کرده‌اند که: «بی تردید برخلاف برداشت برخی نویسندگان، نظام دلایل پذیرفته شده در اسلام نظام دلایل معنوی و اقناع وجدان قاضی^۱ است» (فتحی، ۱۳۸۷: ۲۷۶). باتوجه به مواد موجود در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ درمورد ادله اثبات، به نظر می‌رسد همین وضعیت در حقوق موضوعه ما نیز منعکس شده است^۲ (نک: فتحی، ۱۳۸۷: ۲۷۸-۲۸۴؛ زراعت، ۱۳۹۸: ۲۱۵). بنابراین، اگر تا قبل از این قانون، درباره نقش علم قاضی در انواع جرائم شرعی و تعزیری اختلاف نظر وجود داشت، اکنون تکلیف آن تعیین گردیده و در فصلی جداگانه بر نقش علم قاضی در ارزیابی دلایل به روشنی اشاره شده است.

۱. برای مطالعه بیشتر درخصوص موضوع قناعت وجدان قضایی، نک: زراعت، ۱۳۹۸: ۲۳۹-۲۸۳.

۲. البته، برخی از استادان دیگر درباره این موضوع این گونه معتقدند که در جرائم مستوجب حد، قصاص، و دیه نظام دلایل قانونی (البته با اندک تفاوت‌هایی با گذشته) و در جرائم قابل تعزیر، نظام اقناع وجدانی پذیرفته شده است. برای مطالعه بیشتر درخصوص این نظر نک: خالقی (ب)، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۷۶.

اگرچه در نظام دادرسی تفتیشی کلاسیک، قاضی در طول رسیدگی نقشی فعال در اداره جلسه و نیز در امر قضاوت ایفا می‌کرد، اما حداقل این امر در کنار نظام ادله قانونی^۱ می‌توانست تا اندازه‌ای تعدیل شود و بررسی ارزش دلایل به‌عهده خود قاضی نباشد! بااین حال، در نظام‌های به اصطلاح مختلط امروزی (مدرن)، به نظر می‌رسد تأکید بر علم قاضی می‌تواند زمینه‌ای برای به حاشیه رانده شدن طرح و بررسی بی‌واسطه و شفاهی ادله در جلسات دادگاه‌های کیفری فراهم آورد.^۲ به خصوص آنکه، بنا بر نظر غالب در رویه قضایی، تنها در صورتی که مبنای رأی دادگاه صرفاً شهادت شهود یا اقرار متهم باشد، اظهارات شهود یا متهم که در مرحله دادرسی جمع‌آوری شده باید مجدداً در دادگاه استماع شود. اما اگر مبنای رأی دادگاه مجموعه دلایل و امارات باشد که اظهارات شهود یا اقرار متهم یکی از آن دلایل باشد، ضرورتی به استماع مجدد نیست (صورت جلسه نشست قضایی، ۱۳۹۸). چنین استنباط می‌شود در اغلب پرونده‌ها چنین وضعیتی حاکم است و با توجه بیهوده نبودن اقدامات دادرسی - که البته از این رو که منابع و فرصت زیادی صرف مرحله تحقیقات می‌گردد، به نوبه خود سخن مدلی است - بسیاری از قرائن و اماراتی که در مرحله تحقیقات جمع‌آوری شده و نهایتاً مبنای علم قاضی قرار می‌گیرد، در دادگاه دوباره مورد بحث و بررسی قرار نمی‌گیرد.

۲-۲-۵. هدف واحد در دو مرحله تحقیقات و رسیدگی

پیش‌تر گفته شد که نظام دادرسی تفتیشی خود را مسئول «کشف حقیقت» می‌داند. این عبارت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، سیزده بار آمده است، درحالی‌که

۱. درمورد اینکه نظام ارزیابی ادله در این نوع نظام دادرسی، نظام ادله قانونی است، نک: آخوندی، ۱۳۹۴: ۱۱۰. همچنین یکی از دیگر استادان در این خصوص این گونه نوشته است که: این نظام ارزیابی دلایل در دوره‌ای که از نظام دادرسی تفتیشی پیروی می‌شد، توجه‌پذیر بود تا عاملی برای جلوگیری از خودکامگی قضات و اختیارات فراوان آن‌ها باشد (خالقی (ب)، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

۲. البته لازم به ذکر است که این گونه نیست که چنین وضعیتی صرفاً در نظام دادرسی کشور ما و به علت غلبه رویکرد حقوق اسلام درباره علم قاضی، وجود داشته باشد، بلکه در سایر نظام‌های دادرسی تفتیشی امروز جهان (که البته، همانطور که پیش‌تر گفته شد، توسط خود کشورهای سیول‌لا، اغلب با عنوان «مختلط» از آنها یاد می‌شود)، قاضی در ارزیابی ادله آزاد است و درواقع نظام قناعت وجدانی حاکم است (نک: درویش، ۱۳۹۸: ۴۸).

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در مجموع تنها سه بار ذکر شده است؛ البته نسبت تکرار آن در مواد مربوط به مرحله رسیدگی و مواد ناظر بر مرحله تحقیقات مقدماتی در هر دو قانون تقریباً برابر است (حدود یک سوم). اما نفس تأکید بر «کشف حقیقت» - که نمونه آن را می‌توان در مواد ۳۷۱ و ۳۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مشاهده کرد- از ویژگی‌های اصلی نظام‌های دادرسی تفتیشی به‌شمار می‌رود. حتی در برخی منابع به‌صورت اغراق‌آمیز ادعا شده است که نظام دادرسی تفتیشی برای رسیدگی به اتهامات افراد بی‌گناه بهتر است؛ چراکه در این نظام‌ها تا آخرین لحظه برای کشف حقیقت کوشش می‌شود^۱ (Findley, 2012: 940; Slobogin, 2014: 712). اگر هدف رسیدگی کیفری در نظام دادرسی ما کشف حقیقت نبود و بر آن تأکیدی وجود نداشت و در عوض، تنها فصل خصومت هدف آن بود، احتمالاً در متن قانون، حداقل در کنار هدف کشف حقیقت، به آن اشاره می‌شد. حال آنکه مشاهده می‌گردد قانون‌یاد شده در ادامه مراحل پیشامحاكمه - که بر «کشف حقیقت» تأکید دارد- همین رویکرد را در مقررات مربوط به مرحله رسیدگی نیز با همان لحن و شدت ادامه می‌دهد^۲.

۲-۲-۶. نقش پررنگ مرحله تحقیقات

۱. تا حدی که این امر در برخی منابع به‌صورت یک شبه قاعده (!) به توصیف درآمده است که: «اگر بی‌گناه باشم، ترجیح می‌دهم که در یک نظام دادرسی کیفری سیول‌لا موردحاكمه قرار گیرم، و اگر گناهکار باشم در یک نظام دادرسی کیفری کامن‌لا!» (Bulnes, 2013: 409, quoted from merryman & p  rez-perdomo)

۲. به عبارت «فصل خصومت» تنها یک بار و آن هم در ماده ۳۳۲ قانون که دربارهٔ موارد کاربرد سوگند در دعاوی کیفری است، اشاره می‌گردد؛ یعنی در جایی که دعاوی لزوماً از زمره حق‌الناس هستند و طبیعی است که هدف این دعاوی بیشتر فصل خصومت است.

در همین جا لازم است که به نقل از برخی نویسندگان اجمالاً به این موضوع اشاره شود که: «تکرار»، به‌عنوان سرّی بلاغی در کتب بلاغت بسیار موردبحث واقع شده است؛ عده‌ای فقط در قرآن کریم به این سرّ بلاغی پرداخته‌اند، عده‌ای فقط در شعر و ادبیات، و... اما خلاصه اینکه، هنوز به تمام جوانب این موضوع پرداخته نشده است (سبزوعلیپور، ۱۳۸۸: ۱۰۰)، و به‌عقیده نگارندگان حاضر، جای آن وجود دارد که به موضوع تکرار واژگان و عبارات در متن قوانین نیز پرداخته شود. اما اجمالاً در همان اندازه‌ای که تاکنون به موضوع تکرار پرداخته شده است، انگیزه‌های مختلفی برای آن برشمرده شده و از جمله آن‌ها، تکرار به‌جهت اهمیت داشتن موضوع است. (همان: ۸۸).

اگرچه قاضی در رسیدگی کیفری در انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت مبسوط‌الید است، اما این اجازه را نیز دارد که اگر نقصی در تحقیقات ملاحظه کند، پرونده را به جهت نقص در تحقیقات به دادسرا بازگرداند. یکی از نویسندگان در این زمینه چنین نوشته است که در مواردی که پرونده پس از طرح در دادسرا در دادگاه مطرح می‌شود، یکی از حالاتی که ممکن است پیش آید این است که دادگاه تحقیقات بیشتری را نیاز بداند؛ اعم از اینکه تحقیقات قبلی را ناقص بداند یا موارد جدیدی از مرحله ختم تحقیقات تا این مرحله مطرح شده باشد که نیاز به تحقیقات داشته باشد. در چنین حالتی دادگاه با تشکیل جلسه در وقت فوق‌العاده نقایص مدنظر خود را به طور دقیق در صورت جلسه منعکس می‌کند و سپس یا پرونده را به دادسرا ارسال می‌دارد و یا خود موارد نقص تحقیقاتی مندرج در صورت جلسه را از طریق مرجع انتظامی و یا رأساً برطرف می‌سازد (عابدی، ۱۴۰۳: ۵۰۰). اگر پس از تشکیل جلسه رسیدگی و استماع اظهارات طرفین انجام تحقیقات جدید ضروری شود. - یعنی پس از تشکیل جلسه اتفاق جدیدی رخ داده باشد که نیاز به تحقیقات جدید را ایجاد کند- دادگاه می‌تواند با توجه به اینکه دادسرا مرجع اصلی تحقیقات مقدماتی است پرونده را به دادسرا ارسال کند. اما اگر نقص تحقیقاتی در زمان ارجاع پرونده به دادگاه وجود داشته باشد و دادگاه به هر دلیلی -از جمله غفلت، تغییر نظر یا تغییر دادرس رسیدگی‌کننده- پس از تعیین وقت و تشکیل جلسه به انجام تحقیقات نیاز پیدا کند دو دیدگاه قابل ارائه است: نظر اول همان است که با توجه به اینکه دادسرا مرجع اصلی تحقیقات است، می‌توان پرونده را به آنجا ارسال کرد. و دیدگاه دوم آن است که در این مورد دادگاه خود باید تحقیقات را انجام دهد زیرا اعاده پرونده به دادسرا در ماده ۳۴۱ و تا پیش از تشکیل جلسه پیش‌بینی شده است (همان: ۵۱۱-۵۱۲). به هر حال به نظر می‌رسد در رویه در مواردی که نیاز به تحقیقات بیشتر وجود دارد، با این توجیه که مرجع اصلی تحقیقات دادسرا است و دادگاه مرجع اصلی رسیدگی است، غالباً رفع نقص به دادسرا

۱. و این قاعده به صورت جدی به عنوان یکی از ویژگی‌های دادرسی کیفری وجود دارد، و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در بند ج ماده ۳۵۹ و ماده ۳۶۲ و ماده ۳۹۹ ناظر به ماده ۳۵۹ منعکس است.

واگذار می‌شود و این امر نشان‌دهنده نقش پررنگ اطلاعات مرحله تحقیقات و مندرجات پرونده در فرایند قضاوت در مرحله رسیدگی است.

به علاوه این موضوع در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ درمورد دادگاه‌های کیفری یک به صراحت در بند الف ماده ۳۸۹ مورد اشاره قرار گرفته است، و ماده ۳۹۱ مقرر کرده است که «هرگاه دادگاه در جلسه مقدماتی، پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص دهد، بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی صادر می‌کند». خود این عبارت محل تأمل است، و فارغ از مبهم بودن آن، به نظر می‌رسد با این ویژگی که قاضی تنها داوری خنثی و نظاره‌گر رقابت طرفین است - که از ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی به شمار می‌رود - قابل جمع نیست.

نتیجه

برآیند این پژوهش این است که در نظام‌های دادرسی به اصطلاح مختلط، محتویات جمع‌آوری شده در مراحل پیشامحاكمه و کیفرخواست، در روند رسیدگی در دادگاه بسیار تأثیرگذار خواهد بود و سبب می‌شود که عنصر تفتیش و استنتاج بر عنصر ترافع و تضارب میان طرفین در طول رسیدگی غالب شود و مرحله رسیدگی را به امری فرمایشی و تأییدکننده تبدیل سازد، و درمجموع، ادعای برگزار شدن مرحله رسیدگی با ویژگی‌های نظام اتهامی به مرحله ظهور نرسد. به طور خاص درمورد کشور ایران نیز، برخلاف آنچه اغلب گفته می‌شود، فرضیه این پژوهش مبنی بر اینکه رسیدگی‌های کیفری بیشتر سویه‌های تفتیشی دارد تا اتهامی، مورد تأیید قرار می‌گیرد. اگرچه وکلا نیز در این رسیدگی‌ها نقش دارند، اما نقش محوری برعهده اطلاعات پرونده و قضات است، و اساساً نبرد و ترافع میان طرفین در نمی‌گیرد؛ این نبرد بیشتر میان قاضی و متهم شکل می‌گیرد و گویا قاضی ادامه نقش دادستان را به عهده دارد و یک طرف دعوا است! بررسی برخی از مهم‌ترین مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره موضوع اساسی ترافعی برگزار شدن رسیدگی - که نشان‌دهنده عدم تطبیق با مفهوم کامن‌لایی آن است - در کنار تأکید این قانون بر هدف «کشف حقیقت» حتی در مرحله رسیدگی و همچنین اشاره به علم قاضی به عنوان بالاترین دلیل اثباتی که - موضوع اخیرالذکر می‌تواند به نادیده گرفتن اصول

شفاهی بودن و بی‌واسطه بودن رسیدگی در بسیاری از پرونده‌ها بینجامد - از مهم‌ترین دلایلی است که این نتیجه را به دست می‌دهد که تغییرات مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز، از این منظر اغلب در حدّ به کارگیری برخی الفاظ باقی مانده است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، به نوعی گویای التفات یا گرایش قانونگذار به تبعیت از قوانین الگوهای اروپایی و ایجاد ظاهری دموکراتیک در چارچوب ضرورت‌های خاص موجود در جامعه جهانی است.

باتوجه به یافته‌های این پژوهش - که نشان می‌دهد اتکا به عنوان و برجسب «نظام مختلط» تا چه اندازه می‌تواند گمراه‌کننده، فاقد پشتوانه واقعی و همسو با ساختار قدرت باشد - پیشنهاد می‌گردد برای سنجش ضرورت تحول در نظام دادرسی کشور به‌سوی برگزاری رسیدگی‌ها با ویژگی‌های اتهامی، پژوهش‌هایی انجام گردد تا به‌طور دقیق و مبتنی بر دانش و فارغ از (همسوسدگی‌های بی‌اندیشه) روشن شود کدام یک از دو شیوه دادرسی اتهامی یا تفتیشی، اولاً، بیشتر احکام منطبق برحقیقت را ارائه می‌کند و موازین دادرسی عادلانه در آن بهتر تأمین می‌گردد، ثانیاً، کارآیی بیشتری دارد، و ثالثاً عدالت‌رویه‌ای را بهتر تضمین می‌کند.

در وضعیت موجود، این پژوهش دو پیشنهاد را ارائه می‌دهد:

پیشنهاد یکم اینکه، ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الحاق تبصره‌ای این گونه اصلاح شود که حضور نماینده دادستان دست کم در برخی جرائم مهم در صلاحیت دادگاه کیفری یک (با ذکر درجه) ضروری باشد، و صراحتاً وظایف وی را درمورد این حضور مشخص سازد؛ به نحوی که این حضور صرفاً حالتی صوری نداشته باشد و بتوان با کنشگری دادستان در صحنه رسیدگی از پررنگ بودن نقش قاضی کاست (بدیهی است اجرای این پیشنهاد به ایجاد زیرساخت و شرایط لازم نیاز دارد).

پیشنهاد دوم اینکه قانونگذار در قالب قاعده تفسیری یا هر شیوه مقتضی دیگری، درباره ماده ۳۲۸ قانون یادشده روشن‌گری کند که آیا مراد از این تغییر عبارت نسبت به قانون مصوب ۱۳۷۸، بسط قدرت وکلا در صحنه رسیدگی و نزدیک شدن به شیوه کامن‌لایی طرح پرسش از شهود طرف مقابل (اصطلاحاً: پرسش متقابل) است یا اینکه این ماده چنین

خاصیت و قدرتی ندارد. روشن است که در صورت احساس ضرورت، می‌توان چنین تفسیری را، اگرچه در ابتدا تأویلی به نظر برسد، به این ماده بخشید، تا به تدریج زمینه تحول فرهنگ رسیدگی کیفری در ایران به سمت اتهامی شدن فراهم گردد؛ چراکه تجربه تحولات در شیوه دادرسی برخی کشورها، مانند ایتالیا، نشان داده است که صرف تغییر قواعد دادرسی نمی‌تواند به یکباره اعجاز آفرین باشد و ممکن است فرهنگ و پیشینه حاکم، این تغییر قواعد را به مرور پس بزند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Abbas Mansourabadi		https://orcid.org/0009-0003-2656-2052
Mahdi Sheideian		https://orcid.org/0000-0002-9181-5365
Ferdows Aghagolzadeh		https://orcid.org/0000-0003-0531-6090
Zahra Rajaei		https://orcid.org/0009-0009-7884-6560

منابع

فارسی

کتاب‌ها

- آخوندی، محمود. (۱۳۹۴). *شناسایی آیین دادرسی کیفری*، دفتر اول، چاپ هفدهم، تهران، دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول، چاپ بیستم، تهران، سمت.
- خالقی، علی (الف). (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ سی‌وسوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- خالقی، علی (ب). (۱۳۹۵). *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم. چاپ سی‌ویکم. تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

- خالقی، علی (ج). (۱۳۹۵). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.
- رحمدل، منصور. (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری، جلد نخست، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر.
- رحمدل، منصور. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.
- رستمی، هادی. (۱۳۹۷). آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری، جلد سوم، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- زراعت، عباس. (۱۳۹۸). بنیادهای دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات جادوانه، جنگل.
- سپهری، روح‌الله. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری (مطالعه تطبیقی استثنائات در حقوق ایران و فرانسه)، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- سلیمی، صادق و بخشی‌زاده اهری، امین. (۱۳۹۳). تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق، چاپ دوم، تهران، انتشارات جادوانه، جنگل.
- شاهد، بهارک و مهر، نسرين. (۱۴۰۱). بازاندیشی الگوی دادرسی کیفری ایران. چاپ اول، تهران، پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- طهماسبی، جواد. (۱۳۹۸). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، نشر میزان.
- عابدی، احمدرضا. (۱۴۰۳). آیین دادرسی کیفری، چاپ نهم، تهران، قوه قضاییه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- محمدی، شهرام و بیژنی‌میرزا، طیبه. (۱۴۰۱). توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- منصورآبادی، عباس و فروغی، فضل‌الله. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری یک، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ناجی‌زواره، مرتضی. (۱۳۹۵). آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوم، تهران، خرسندی.
- یوسفی، ایمان. (۱۳۹۵). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

مقالات

- زراعت، عباس و اشرفی، محمود. (۱۳۹۷). «اصل توافعی بودن محاکمات کیفری در حقوق ایران»، *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲(۱۰۱)، ۳۵-۱۱.
- سبزعلیپور، جهان دوست. (۱۳۸۸). «تکرار بلاغی، اهمیت و لزوم بازنگری آن»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم/انسانی*، دانشگاه تبریز، ۵۲(۲۱۱)، ۸۱-۱۰۳.
- کوشکی، غلامحسین. (۱۴۰۰). «اهداف نظام دادرسی کیفری، چشم‌اندازی اسلامی»، *نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۲۵، ۳۵۸-۳۳۹.
- گلدوست جویباری، رجب؛ میرکمالی، علیرضا؛ قبلی، ژاله. (۱۳۹۷). «نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی»، *دانش و پژوهش حقوقی*، ۱، ۷۷-۱۰۰.
- وطنی، امیر؛ آقایی جنت‌مکان، حسین؛ محمدامین، درویش. (۱۳۹۹). «تقویت مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از منظر حقوق موضوعه و الزامات اخلاقی»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ۱۰(۴۰)، ۲۷۵-۲۹۳.

رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها:

- درویش، محمدامین. (۱۳۹۸). ارزیابی تحولات نظام دادرسی کیفری ایران از تفتیشی به توافعی در مرحله تحقیقات مقدماتی. رساله دکتری در رشته فقه و حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی.
- فتحی، محمدجواد. (۱۳۸۷). اختیارات قاضی در سیاست کیفری ایران (تطبیق با اسناد بین‌المللی)، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس قم، دانشگاه تهران.
- فضلی، مهدی. (۱۳۹۷). تحلیل نظام دادرسی کیفری ایران در پرتو آموزه‌های اقتصادی، رساله دکتری در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.

منابع اینترنتی

- صورتجلسه نشست قضایی. ضرورت استماع شهادت شهود توسط دادگاه کیفری. ۱۳۹۸. به آدرس: <https://nesrast.eadl.ir/Home/GetPublicJSessionTranscript/0ec7d595-9dc9-43c4-63be-08d69efb2635>

References

- Bednarek, Grażyna Anna. (2015), "Prolegomena to a new criminal trial procedure in poland following the amendment of the code of criminal procedure of 27.09.2013: fom inquisitorial towards adversarial procedure of witness examination in criminal trial". *Comparative Legilinguistics*, vol. 24. Pp 47-80
- Brants, Chrisje (2012). "Wrongful convictions and inquisitorial Process: The Case of the Netherlands". *University of Cincinnati Law Review*, Vol. 80, Iss. 4 , Art 2. (80 U. CIN. L. REV). Pp 1069-1114 . Available at: <https://scholarship.law.uc.edu/uclr/vol80/iss4/2>
- Bulnes, Mar Jimeno (2013), "American criminal procedure in a european context", *Cardozo Journal of International and Comparative Law (JICL)*, Vol. 21, No. 2, Pp 409-459 <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2276682>
- Creaton, Jane & Pakes, Francis (2011). "Adversarial or inquisitorial justice?". *Chapter 3 of Debates in Criminal Justice Key Themes and Issues*. Published November 16, 2011 by Routledge 280 Pages 6 B/W Illustrations. Pp 52-60. <https://doi.org/10.4324/9780203804483>
- Damaška, Mirjan (1973), "Evidentiary Barriers to Conviction and Two Models of Criminal Procedure: A Comparative Study", *University of Pennsylvania Law Review* , Jan., 1973, Vol. 121, No. 3, Pp 506-589. Available at: https://scholarship.law.upenn.edu/penn_law_review/vol121/iss3/10
- Decaigny, Tom & De Hert, Paul (2013). "You can change the color of your hair, but not your hair: convergence in inquisitorial and adversarial systems". In C. Kelk, F. Koenraadt, D. Siegel, & F. Kristen (Eds.), *Veelzijdigegedachten: Liber amicorumChrisje Brants* (pp.235-244). (Pompe Reeks; Vol75).Boom Lemma.
- Grande, Elisabetta (2016). "Legal Transplants and the Inoculation Effect: How American Criminal Procedure Has Affected Continental Europe".

The American Journal of Comparative Law, Volume 64, Issue 3, Pp 583–618. <https://doi.org/10.1093/ajcl/avw004>

- Illuminati, Giulio (2005), "The Frustrated Turn to Adversarial Procedure in Italy (Italian Criminal Procedure Code of 1988)". *Washington University Global Studies Law Review*, Forthcoming (4 Wash. U. Global Stud. L. Rev.) Pp 567-581
- Findley, Keith A. (2012). "Adversarial Inquisitions: Rethinking the Search for the Truth". *New York Law School Law Review*, Vol. 56, Article 4, (56 N.Y.L. SCH. L. REV. 927). Pp 911- 941. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1904588>
- Jackson, John D. (2005). "The Effect of Human Rights on Criminal Evidentiary Processes: Towards Convergence, Divergence or Realignment?". *Modern Law Review*, Vol. 68, No. 5, pp. 737-764. <https://doi.org/10.1111/j.1468-2230.2005.00559.x>
- Komter, Martha I & Malsch, Marijke (2012), "The language of criminal trials in an inquisitorial system: the case of the Netherlands", *chapter 29 of the oxford handbook of language and law*. Edited by PETER M. T IERSMA and L AWRENCE M. S OLAN. Oxford university press . Pp 408-420. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199572120.013.0030>
- Kremens, karolina (2015). "Inquisitorial and adversarial influences on the examination of a witness in the international criminal procedure". *acta universitatis wratislaviensis no 3661przegląd prawa i administracji c/2wrocław*, Pp 77-108
- Langer, Máximo (2014), "The Long Shadow of the Adversarial and Inquisitorial Categories", *chapter 39 of The Oxford Handbook of Criminal Law* Edited by Markus D. Dubber (ed.), Tatjana Hörnle (ed.) oxford university press, Pp 887–912. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199673599.001.0001>

- Mortensen, Sune Sonderberg (2019). "Interjections in American and Danish courtroom interaction: A linguistic and legal cultural comparison". *Scandinavian Studies in Language*, 10(1), Pp 152-173. <https://doi.org/10.7146/sss.v10i1.114676>
- Panzavolta, Michele (2016). "Of hearsay and beyond: is the Italian criminal justice system an adversarial system?" *The International Journal of Human Rights*, 20:5, Pp 617-633. <https://doi.org/10.1080/13642987.2016.1162409>
- Pizzi, William T and Marafioti, Luca (1992), "The New Italian Code of Criminal Procedure: The Difficulties of Building an Adversarial Trial System on a Civil Law Foundation", *The Yale Journal of International Law*, Volume 17, Number 1, Pp 1-40
- Quadri, Kafayat Motilewa and Abia Kadaouf, Hunud and Ishan Jan, Mohammad Naqib and AbdulWahab, Mohd. Iqbal and Ahamat, Haniff. (2015). "Adquisitorial: The Mixing of Two Legal Systems". *International Journal of Humanities and Management Sciences (IJHMS)* Volume 3, Issue 1 (2015) ISSN 2320–4044
- Slobogin,Christopher (2014)."Lessons from inquisitorialism". 87 *S. CAL. L. REV.* Pp 699-732. Available at: <https://scholarship.law.vanderbilt.edu/faculty-publications/257>
- Tir Wibowo, Kurniawan (2022), "Is it Possible to do Legal Revolution in Indonesia", *Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-Journal) Humanities and Social Sciences* Volume 5(No 3): Pp 19877-19887

Translated References into English

- Abedi, Ahmadreza. *Criminal Procedure*. 9th Edition. (Tehran: Press and Publications Center of Judiciary, 2024)

- Akhondi, Mahmoud. *An Introduction to Criminal Procedure*. Volume 1. 17th Edition. (Tehran: Dourandishan, 2015)
- Ashouri, Mohammad. *Criminal Procedure*. Volume 1. 20th Edition. (Tehran: SAMT, 2018)
- Darvish, Mohammad Amin. Evaluation of the Developments of the Iranian Criminal Procedure System from Inquisitorial to Adversarial in the Preliminary Investigation Stage. PhD Dissertation in Jurisprudence and Criminal Law. Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University (2019)
- Fathi, Mohammad Javad. Judicial Discretion in Iran's Criminal Policy (Comparison with International Documents). PhD Thesis in Criminal Law and Criminology. Qom Campus, University of Tehran (2008)
- Fazli, Mehdi. Analysis of the Iranian Criminal Procedure System in Light of Economic Doctrines. PhD Dissertation in Criminal Law and Criminology. Faculty of Law, University of Qom (2018)
- Goldust Juybari, Rajab; Mirkamali, Alireza; Ghabili, Zhaleh. "Innovations of the 2013 Criminal Procedure Code Regarding the Defendant's Defense Rights in the Preliminary Investigation Stage". *Journal of Legal Knowledge and Research*, No. 1 . (2018), pp. 77-100. <https://doi.org/10.22055/AJKRL.2018.14009>
- Khaleghi, Ali (a). *Criminal Procedure*. Volume 1. 33rd Edition. (Tehran: Shahre danesh Legal Studies and Research Institute, 2016).
- Khaleghi, Ali (b). *Criminal Procedure*. Volume 2. 31st Edition. (Tehran: Shahre danesh Legal Studies and Research Institute, 2016).
- Khaleghi, Ali (c). *Points on the Criminal Procedure Code*. 7th Edition. (Tehran: Shahre danesh Legal Studies and Research Institute, 2016).
- Koushki, Gholamhossein. "The Goals of the Criminal Procedure System: An Islamic Perspective". *Journal of Islamic Jurisprudence and Law Studies*,

No. 25, (2021). pp. 339-358.
<https://doi.org/10.22075/FEQH.2021.24624.3038>

- Mansourabadi, Abbas & Foroughi, Fazlollah. *Criminal Procedure*. 1st Edition. (Tehran: Mizan Publications, 2016).
- Mohammadi, Shahram & Bijani Mirza, Tayyebbeh. *The Adversarial Shift in Criminal Procedure*. 1st Edition. (Tehran: Majd Publications, 2022).
- Naji Zavareh, Morteza. *An introduction to Criminal Procedure*. Volume 1. 2nd Edition. (Tehran: Khorsandi, 2016).
- Rahmdel, Mansour. *Criminal Procedure*. First Volume. 3rd Edition. (Tehran: Dadgostar Publications, 2017).
- Rahmdel, Mansour. *Criminal Procedure*. Third Volume. 2nd Edition. (Tehran: Dadgostar Publications, 2015).
- Rostami, Hadi. *Criminal Procedure*. 1st Edition. (Tehran: Mizan Publications, 2018)
- Sabzalipour, Jahandoost. "Rhetorical Repetition, its Importance and the Need for its Revision". *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, University of Tabriz, Year 52, Serial No. 211, (2019), pp. 81-103.
- Salimi, Sadegh & Bakhshizadeh Ahari, Amin. *Article-by-Article Analysis of the 2013 Criminal Procedure Code in Comparison with Previous Laws*. 2nd Edition. (Tehran: Javdaneh, Jangal Publications, 2014).
- Sepehri, Ruhollah. *Criminal Procedure (A Comparative Study of Exceptions in Iranian and French Law)*. 1st Edition. (Tehran: Dadgostar Publications, 2016).
- Shahed, Baharak & Mehra, Nasrin. *Rethinking the Iranian Criminal Procedure model*. 1st Edition. (Tehran: Shahre danesh Legal Research Institute, 2022).

- Tahmasebi, Javad. *Criminal Procedure*. Volume 1. (Tehran: Mizan Publications, 2019).
- Vatani, Amir; Aghaei Jannat Makan, Hossein; Mohammadi Amin, Darvish "Strengthening the Intervention of Lawyers in the Preliminary Investigation Stage from the Perspective of Positive Law and Ethical Requirements". *Ethical Research*, Year 10, No. 4 (Serial 40), (2020), pp. 275-293.
- Yousefi, Iman. *Criminal Procedure*. Volume 1. 2nd Edition. (Tehran: Mizan Publications, 2016).
- Zera'at, Abbas. *Criminal Procedure*. Volume 1. 1st Edition. (Tehran: Mizan Publications, 2014).
- Zera'at, Abbas. *Criminal Procedure*. Volume 3. 1st Edition. (Tehran: Mizan Publications, 2015).
- Zera'at, Abbas. *Foundations of Criminal Procedure*. Volume 1. 1st Edition. (Tehran: Javdaneh, Jangal Publications, 2019).
<https://doi.org/10.22106/jlj.2018.31407>
- Zera'at, Abbas & Ashrafi, Mahmoud. "The Principle of Adversarial Proceedings in Iranian Law". *Judicial Law Journal*, Year 82, No. 101, (2018), pp. 11-35.

استناد به این مقاله: منصورآبادی، عباس، شیدائیان، مهدی، آقا گل‌زاده، فردوس و رجائی، زهرا. (۱۴۰۴). چالش‌های تحقیق اتهامی بودن مرحله رسیدگی در حقوق ایران. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، (۵۱)، ۱۳-۲۰۹-۲۲۱.

Doi: 10.22054/JCLR.2025.83938.2732



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons NonCommercial 4.0 International License.